فصل‌نامه علمی پژوهشنامه تاریخ اسلام
سال چهاردهم، شماره پنجاه‌وپنجم، پاییز ۱۴۰۳
مقاله مروری، صفحات ۱۳۵-۱۵۸

آموزش زنان گیلان در دوره مشروطه و پهلوی

نسرین نیکدل[۱]
پری مسلمی پورلالمی[۲]

چکیده

در آستانه دوره مشروطه و پهلوی اول، تحولات سیاسی و اجتماعی ایران زمینه‌ساز ورود زنان به عرصه آموزش و فعالیت‌های اجتماعی شد. در گیلان، زنان با وجود محدودیت‌ها و مخالفت‌های سنتی، به‌صورت خودجوش به ایجاد مدارس دخترانه، مراکز بهداشتی و پرورشی پرداختند و نقش مؤثری در گسترش آموزش ایفا کردند. این پژوهش با روش توصیفی–تحلیلی و بر پایه اسناد، منابع کتابخانه‌ای و رویکرد تطبیقی، وضعیت آموزش زنان گیلان را در دو دوره مشروطه و پهلوی بررسی می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که بیشتر تحولات آموزشی در شهر رشت متمرکز بوده و تأسیس مدارس دخترانه و انجمن‌های اجتماعی در این شهر به الگویی برای دیگر مناطق گیلان تبدیل شد. گسترش آموزش زنان موجب ارتقای جایگاه اجتماعی آنان و مشارکت فعال‌ترشان در توسعه فرهنگی و اقتصادی استان شد و آموزش را به یکی از محورهای اصلی تجدد در گیلان بدل ساخت.

کلیدواژه‌ها: آموزش زنان، پهلوی، مدارس جدید دخترانه، مشروطه، گیلان.

۱. دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه آزاد اسلامی، آستارا، ایران (نویسنده مسئول). nikdelpb95@gmail.com
۲. دکتری جامعه شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز، تهران، ایران. drmoslemi29@gmail.com
تاریخ دریافت: ۰۳/۰۶/۲۵ تاریخ پذیرش: ۰۳/۰۹/۰۷

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-12]
[DOI: 10.61882/islamhistory.1.55.135]

Women's Education in Guilan during the Constitutional and Pahlavi Periods

Nasrin Nikdel[1]
Pari Moslemi pour Lalami[2]

Abstract

At the dawn of the Constitutional Revolution and the early Pahlavi era, Iran's political and social transformations paved the way for women's entry into the fields of education and public life. In Guilan, despite traditional constraints and resistance, women independently established girls' schools, health centers, and welfare institutions, playing a pivotal role in expanding education and social participation. Using a descriptive–analytical method and a comparative approach based on historical documents and library sources, this study examines the status of women's education in Guilan during the Constitutional and Pahlavi periods. Findings show that most educational developments were centered in Rasht, where the establishment of girls' schools and women's associations became a model for other cities in Guilan. The expansion of women's education led to an enhancement of their social position and more active participation in the cultural and economic development of the province. Thus, education emerged as one of the main pillars of modernization in Guilan.

Keywords: Women's education, Pahlavi era, Modern girls' schools, Constitutional Revolution, Guilan.

1. Ph.D. in Geography and Rural Planning, Islamic Azad University, Astara, Iran (Corresponding Author). nikdelpb95@gmail.com
2. Ph.D. in Sociology, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran. drmoslemi29@gmail.com

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-12]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.55.135]

درآمد

نقش آموزش در زندگی انسان‌ها و شکوفایی استعدادها و ارزش‌های فردی و اجتماعی انکارناپذیر است. در ساختار آموزشی ایران طی دوره‌های مختلف تاریخی، شرایط متفاوتی برای زنان فراهم شد. ورود زنان به عرصه آموزش، بسیار حیاتی بود و زمینه تحقق حقوق آنها را فراهم کرد. در دوره‌های مشروطه و پهلوی، اقدامات متعددی از جمله تأسیس مدارس دخترانه و مراکز بهداشتی و تربیتی انجام شد. زنان گیلانی در این دوره‌ها، با تلاش‌های مستمر و بهره‌گیری از حمایت‌های قانونی و اجتماعی به ارتقای جایگاه خود در جامعه دست یافتند؛ اگر چه با مخالفت‌های شدید اجتماعی و فرهنگی مواجه بودند. گیلان همواره در زمینه تحولات اجتماعی و فرهنگی ایران پیشگام بوده‌است. زنان این منطقه نقش برجسته‌ای در پیشبرد جامعه ایفا کرده‌اند. آنان با تأسیس نخستین مدارس دخترانه گیلان در دوره مشروطه، نقطه عطفی در تاریخ آموزش زنان ایران رقم زده‌اند. با ورود به دوره پهلوی، این روند ادامه یافت و بر تحولات آموزشی و اجتماعی زنان تأثیر قابل توجهی گذاشت. حمایت دولت از آموزش و تغییر در ساختارهای فرهنگی و اجتماعی، زنان گیلانی را به پیشگامان عرصه‌های علمی و اجتماعی تبدیل کرد. این تحولات، ریشه در سنت پویای گیلان داشت که با وجود تفاوت‌های عمیق اجتماعی و فرهنگی، بستری مناسب برای نوگرایی و پذیرش نقش‌های تازه فراهم آورد.

در دهه‌های ۱۲۱۰-۱۳٤٤ نهادهای آموزشی کشور همچنان به‌صورت سنتی اداره می‌شدند. از عهد ناصری (۱۲٦٤-۱۳۱۳) به‌سبب گسترش ارتباطات با دنیای غرب، نیاز به مدارس نوین بیش از پیش احساس شد. این مسئله، با شروع دوره مشروطه و سال‌های پس از آن شتاب بیشتری گرفت و در دوره پهلوی به اوج خود رسید (دادبخش، ۱٤۰۳، ص. ۷۲). گسترش جغرافیای آموزش زنان، تأثیر مهمی در تغییرات اجتماعی و فرهنگی مناطق مختلف داشت. با این حال، زنان ساکن در نواحی روستایی و دورافتاده با مشکلات بیشتری در دسترسی به امکانات آموزشی مواجه بودند. کمبود امکانات آموزشی، پراکندگی جمعیت و عدم آگاهی جوامع محلی از اهمیت آموزش

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-12]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.55.135]

زنان و مخالفت جامعه سنتی از جمله چالش‌های اصلی جامعه آن روز بود. نبود زیرساخت‌های لازم و نیز موانع فرهنگی و اجتماعی در نواحی روستایی موجب شده بود که زنان از فرصت‌های برابر آموزشی با همتایان شهری خود بهره‌مند نشده و توزیع جغرافیایی مدارس بیشتر به مراکز شهری نظیر رشت محدود بود. این شرایط، طی سال‌های بعد با تلاش نهادهای دولتی و مردمی به‌تدریج بهبود یافت و راه اندازی مدارس جدید، امید به بهبود وضعیت آموزشی دختران را در جامعه افزایش داد (پیروزی و میرزانژاد، ۱۳۸۹، ص. ۱۳۰).

با توجه به اهمیت و نقش روزافزون مدارس جدید در تعلیم و تربیت زنان، این مقاله بر آن است تا نقش زنان در تأسیس این‌گونه مدارس و آموزش دختران این دوره را مورد بررسی قرار دهد. تمرکز اصلی پژوهش بر بررسی روند تأسیس و توزیع جغرافیایی مدارس دخترانه و رشد تعداد دانش آموزان دختر در این منطقه است. این پژوهش تلاش می‌کند تا نشان دهد که چگونه تحولات آموزشی با وجود چالش‌های فرهنگی و اجتماعی به ارتقای جایگاه زنان گیلانی در جامعه منجر شده بود. داده‌های تاریخی، اسناد و مدارک معتبر تحلیل شد و مقایسه‌ای میان توزیع جغرافیایی مدارس در شهرهای استان گیلان و نقش زنان در تشکیل مدارس جدید و آموزش دختران در دوره مشروطه و دوره پهلوی (۱۳۲۰-۱۳۵۷ش) و سپس چالش‌های فرا روی ایشان مورد بررسی قرار گرفت.

روش تحقیق این مقاله از نوع توصیفی- تحلیلی است و با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای، تحلیل اسناد و رویکرد تطبیقی در دو دوره تاریخی انجام شده‌است. منابع تاریخی، اسناد رسمی و آمارهای مربوط به توزیع مدارس دخترانه، تعداد دانش‌آموزان گردآوری و بررسی شده‌اند. همچنین با استفاده از اسناد تاریخی، تحقیقات سایر محققین، وضعیت آموزش زنان در دوره‌های مشروطه و پهلوی با هدف بررسی تغییرات ساختاری و تأثیرات اجتماعی آن مقایسه شده‌است. تجزیه و تحلیل داده‌ها به‌صورت تحلیلی صورت گرفته تا نقش آموزش در توسعه فرهنگی و اجتماعی زنان گیلانی به‌طور جامع تبیین شود.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-12]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.55.135]

پیشینه پژوهش

خمامی‌زاده (۱۳۷٤ش) در جلد سوم *کتاب گیلان*، به بررسی تاریخ آموزش و پرورش در گیلان پرداخته است. همچنین پیروزی و میرزانژاد (۱۳۸۹ش) فصل هشتم کتاب *زندگی زنان گیلان* را به آموزش و پرورش زنان گیلان اختصاص داده‌اند. حامدی (۱۳۹٤ش) در پژوهش خود به بررسی تعاملات فکری اندیشمندان دوره پهلوی اول در خصوص آموزش زنان بر اساس سه نشریه «عالم نسوان»، «شفق سرخ» و «اطلاعات» پرداخته و نتیجه گرفته است که چالش‌های فکری نخبگان دوره پهلوی اول چشم‌انداز قابل ملاحظه‌ای در شناسایی و تحلیل وضعیت زنان در دوره پهلوی ایجاد کرد. در آن پژوهش نشان داده شد که آموزش زنان، تربیت آگاهانه فرزندان با تأکید بر تربیت افراد میهن‌پرست از یک سو موجب آگاهی زنان و از سوی دیگر سبب تهییج و ترغیب آنها به بهبود وضعشان و طرح خواسته‌ها و مطالبات حقوقی‌شان شده بود. حسینی (۱٤۰۰ش) معتقد است دولت درهای مدارس، دانشگاه‌ها و اداره‌ها را به روی زنان گشود؛ با این حال وظیفه و بهترین کار یک زن ایرانی، ازدواج و مادری بود. نتایج یافته‌های حنیفه و شیخ نوری (۱٤۰۱ش) حاکی از این است که با وجود پیشتازی زنان در امور فرهنگی و آموزشی گیلان، حوزه آموزشی زنان در منطقه از سال ۱۲۹۸ش تا حدود ۱۳۰۳ش از نظر علمی و بهداشتی و تعداد مدارس، چندان کیفیت مطلوبی نداشته و امکان تحصیل برای بسیاری از دختران شهرهای کوچک و روستاها فراهم نبوده‌است. با این‌حال در سال‌های ۱۳۰۵ تا ۱۳۱۵ش وضعیت فرهنگی و آموزشی زنان پیشرفت چشمگیری کرد و گیلان به یکی از سه استان پیشرو کشور در حوزه آموزش زنان تبدیل شد. همچنین حنیفه و شیخ نوری (۱٤۰۳ش) هدف نشریه پیک سعادت نسوان را ایجاد خودباوری در میان زنان، تشویق بانوان به آموزش‌های نوین و مبارزه با بی‌عدالتی در جامعه دانسته‌اند. نتایج تحقیق حاجت پور و بختیاری (۱٤۰۳ش) نشان می‌دهد روزنامه‌های متعددی از جمله «نسیم‌شمال»، «جنگل»، «پرورش»، «طلوع»، «گیلان»، «آموزگار» و «فرهنگ» در شماره‌های مختلف به بررسی وضعیت زنان در

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-12]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.55.135]

گیلان پرداخته‌اند. تعلیم و تربیت، مسائل بهداشتی، حقوق، استقلال، آزادی، برابری و امور فرهنگی پربسامدترین مطالب این نشریات در حوزه زنان بود. نتایج تحقیق دادبخش (۱٤۰۳ش) حاکی از این است که ساختار آموزشی گیلان که در ابتدای دوره قاجار بیشتر به شیوه سنتی اداره می‌شده، از اواسط آن دوره و هم‌راستا با سایر مناطق کشور به سمت نوین شدن خیز برداشت. این روند در سال‌های پس از مشروطه و به‌ویژه در دوره پهلوی، متأثر از فضای سیاسی جامعه، شدت و سرعت بیشتری پیدا کرد. نتایج مقایسه داده‌های پژوهش روحبخش (۱٤۰٤ش) در چهار عرصه فرهنگیِ انتشار مطبوعات، تأسیس مدارس عالی، دریافت مدال و نشان، تحصیل در دانشگاه‌های خارج از کشور در عصر پهلوی اول، بیانگر تنوع فعالیت‌های برخی زنان نوگرای شهرهای سه استان گیلان، مازندران و گلستان است و از برتری عملکرد زنان شهرهای استان گیلان حکایت می‌کند.

وضع عمومی سواد زنان

در منابع تاریخی کمتر به وضع آموزش عمومی و سواد زنان اشاره شده‌است (احمدی، ۱۳۸۵، ص. ۱۲). وضع سواد زنان در ایران طی دوره‌های مشروطه و پهلوی با چالش‌های جدی مواجه بود. آمارها نشان دهنده شکاف جنسیتی در حوزه آموزش هستند. به‌طور کلی، زنان عصر قاجار در ظلمت جهل نگهداری می‌شدند. مردان بر این عقیده بودند که «زن قابل تمجید» زنی است که چیزی نداند و چیزی نفهمد، تا سخنی نگوید و دارای خط و سواد نباشد. در سده نوزدهم به‌خاطر بیسوادی فراگیر در ایران تخمین زده می‌شود که تنها سه نفر از کل زنان ایران با سواد بودند (جلالی، ۱۳۸۹، ص. ۱۳). تعلیم و تربیت رسمی دختران در عصر قاجار (قبل از مشروطه) عموماً در مکتب‌خانه‌ها، تدریس خصوصی در منازل و حوزه‌های دینی انجام می‌گرفت. دختران در مکتب‌خانه‌ها تا هفت سالگی و به‌صورت مختلط در کنار پسران آموزش می‌دیدند (جلالی، ۱۳۸۹، ص. ۱۸۰). هر چه به دوره مشروطه نزدیکتر می‌شویم، سهم زنان سایر طبقات در منابع بیشتر می‌شود که این امر مدلول فعالیت‌های بیشتر زنان در اجتماع و

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-12]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.55.135]

شرکت آنان در برخی شورش‌ها و انقلابات است. پیش از انقلاب مشروطیت بـه آرامـی زمزمه‌هایی در خصوص لزوم تعلیم و تربیت نسـوان در برخـی جرایـد آن دوره مطـرح شده بود و عده‌ای نیز با گرایش‌های فکری متفاوت درصـدد تأسـیس مـدارس دخترانـه برآمده بودند؛ اما با شروع انقلاب مشروطه کم‌کم عده‌ای از زنان بـه خیابان‌هـا ریختـه و علیه مستبدین قیام کردند. در آن زمان زمینه برای بحث در باب حقوق زنـان مهیـا شـده بود (احمدی، ۱۳۸۵، ص. ۱۵). در واقع ورود بانوان به جریان نوگرایی، از دوره انقلاب مشروطه در ایران آغاز شد (ساناساریان، ۱۳۸٤، ص. ٤۱). با این حال دستیابی به حقوق مدنی و شهروندی زنان ایرانی، در دوره رضاشاه پهلوی و در هنگام پروژه‌های نوسـازی ایران انجام شد. در آن دوره برای نخستین‌بار در جامعه سـنتی ایـران، زنـان توانسـتند از خانه خارج شده به عرصه‌های اجتماعی پا گذارند. اجباری شدن آموزش برای پسران و دختران و افزایش قشر باسواد نیز موضوع مهم دیگر بود. اینکه زنان وارد اجتماع شـوند و پیشه‌هایی چون آموزگاری، پرستاری، پزشکی و غیره را بگیرند، بدون آن‌که پوشش‌ها و کارهای سنتی چون روبنده و ارتباط با نـامحرم را کنـار بگذارنـد، ممکـن نبـود (زیبـا کـلام، ۱۳۹۸، ص. ۲۳٤، ۲۳۸، ۲۳۹). تغییـرات صـورت گرفتـه در دوره پهلـوی اول و ساختار سیاسی کشور و توجه به تحصیل دختران، باعث افزایش شمار مدارس دخترانـه و دانش‌آموزان دختر در استان گیلان شد و این روند تا پایان دوره رضا شـاه ادامـه پیـدا کرد. به‌طوری که شمار مدارس دخترانه رشت از چهار مدرسه در سال‌های پایـانی دوره قاجار به ۱۵ مدرسه در سال تحصیلی ۱۳۰۹-۱۳۱۰ش رسید. شمار دانش‌آمـوزان دختـر استان گیلان در همین بازه زمانی از ۷۵۷ نفر به ۲۷۰٤ نفر افزایش پیدا کرد. در نیمه دوم حکومت رضاشاه، پس از ایجاد تحولات گسترده در ساختار اجتماعی جامعه و اجبـاری شدن استفاده از لباس متحد الشکل و کشف حجاب در میـان دختـران و زنـان جامعـه، ساختار مدارس گیلان نیز متحول شد. در آن دوره افزون‌بـر تعـداد مـدارس دخترانـه و پسرانه، شمار مدارس مخـتلط اسـتان نیـز افـزایش یافـت و از مجمـوع تعـداد مـدارس دخترانه و پسرانه پیشی گرفت (دادبخش، ۱٤۰۳، ص. ۸۵).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-12]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.55.135]

در دوره پهلوی دوم و در سال‌های بعد از تثبیت قدرت حکومت مرکزی، انجام اصلاحات در ساختار کشور و تأسیس نهادی به نام سپاه دانش، باعث افزایش شمار مدارس و افراد باسواد کشور از جمله در خطه گیلان شد. به‌طوری که در سرشماری آبان ۱۳۵۵ش درصد باسوادی جمعیت گیلان به ۵۰/۷ درصد رسید. این نرخ برای مردان ٦١/٤ درصد و برای زنان ٤٠/١ درصد بود (دادبخش، ١٤٠٣، ص. ٨٩). به عبارتی در سال ۱۳۲۸ش حدود ۸ درصد زنان باسواد بودند، در سال ١٢٤٥ش ۱۸ درصد و در سال ۱۳۵۰ش بیش از ٢٦ درصد زنان ایران باسواد بودند. میزان باسوادی در شهرها و روستاها تفاوت داشت؛ ۹ درصد زنان روستایی و حدود ۵۰ درصد از زنان شهری توانایی خواندن و نوشتن داشتند. در سال ۱۳۵۰ش بیش از ۲۵ درصد دانشجویان مؤسسه‌های آموزش عالی را زنان تشکیل می‌دادند، در سال ١٣٥٤ش تقریباً ۲۹ درصد و در سال ۱۳۵۷ش حدود ۳۸ درصد دانشجویان دانشگاه‌های ایران زنان بودند. تحقیقات پرشماری نشان می‌دهند که با وجود افزایش باسوادی زنان، نگرش آنان نسبت به نقش سنتی و نیز جایگاه فرودست آنان تغییری نکرده بود (ساناساریان، ١٣٨٤، ص. ١٧٢–١٦١).

زنان گیلان از فعال‌ترین زنان ایران بودند. آموزش زنان در گیلان از دهه ۱۲۹۰ش آغاز شد. در آن سال‌ها با احداث مدارس مختلف، انتشار نشریه‌های زنانه همچون «نامه نسوان شرق» در انزلی و «پیک سعادت نسوان» در رشت و نیز تأسیس جمعیتی به همین نام در این شهر، ادامه یافت (حنیفه و شیخ نوری، ١٤٠٣، ص. ٥٣). زنان سخت‌کوش و روشنفکر و روشن‌اندیش متعددی در زمینه آموزش دختران گیلان و رشد و تعالی فرهنگ زنان گیلانی به فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی پرداختند که بخش عمده‌ای از جایگاه والای فرهنگی گیلان، مدیون ذهن و جانِ روشن این زنان پیشرو و آگاه است.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-12]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.55.135]

جدول شماره۱: زنان شاخص گیلانی در دوره‌های مشروطه و پهلوی[1]

زنان شاخص دوران مشروطه و پهلوی	سال	متولد	فعالیت
روشنک نوعدوست	۱۳۳۸-۱۲۷۳	رشت	روزنامه نگار، فعال حقوق زنان و عضو مؤسس جمعیت پیک نسوان و بنیان‌گذار مدرسه سعادت نسوان
شوکت روستا	۱۲۸۹-*	رشت	فعال اجتماعی و عضو جمعیت پیک نسوان
فهیمه اکبر	۱۳۸۸-۱۲۹٦	رشت	خواننده و موسیقی شناس
سرور (مهکامه) محصص لاهیجانی	۱۳٥٦-۱۲۹۱	لاهیجان	شاعر و خوشنویس ایرانی و فعال حقوق زنان
نیره ابتهاج سمیعی[2]	۱۳۹٦-۱۲۹۳	رشت	سیاست‌مدار ایرانی و نماینده رشت حد فاصلِ سالهای ۱۳٤٥ تا ۱۳٥۷ در دوره‌های ۲۱، ۲۲، ۲۳ و ۲٤ مجلس شورای ملی
آذر اندامی[3]	۱۳٦۳-۱۳۰٥	رشت	پزشک، باکتری شناس، سازنده نوعی از واکسن وبا
لعیا شمس (شمسی شمس)	۱۳۸٥-۱۳۱۰	رشت	نخستین خواننده زن گیلانی در رادیو تهران و بازیگر
معصومه سیحون[4]	۱۳۸۹-۱۳۱۳	رشت	نقاش و از پیشکسوتان هنرهای تجسمی در ایران
منیره آقاجانخواه (پریسا)	۱٤۰۰-۱۳۱۸	رشت	خواننده موسیقی محلی
روح انگیز میرزایی	-	ماسال	اولین بانویی که به زبان تالشی در تلویزیون آواز

۱. فندریسکی، ۱٤۰٤، ص. ٥۳-٥۸؛ پیروزی و میرزانژاد، ۱۳۸۹، ص. ۹٤.

۲. او یکی از نخستین شش زنی است که به مجلس مجلس شورای ملی را یافت و اولین بانوی ایرانی بود که نیابت رئیس مجلس را به عهده گرفت و نخستین بانویی است که از استان گیلان به مجلس شورای ملی راه یافته است.

۳. به خاطر خدمات علمی و انسانی آذر اندامی، یکی از دهانه‌های برخوردی روی سیاره ناهید، به نام وی «اندامی» نامگذاری شده‌است.

۴. در سال ۱۳٤٥ش گالری سیحون، قدیمی‌ترین نگارخانه هنری فعال در ایران را بنیان نهاد.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-12]
[DOI: 10.61882/islamhistory.1.55.135]

			خواند. از وی آلبومی به نام تارا منتشر شده است
فریده لاشایی	۱۳۲۳-۱۳۹۱	رشت	نقاشِ نوگرا، نویسنده و مترجم، مهمترین کتاب او رمان «شال بامو» است
هنگامه اخوان	-۱۳۳٤	صومعه سرا	خواننده موسیقی سنتی ایرانی
سوسن تسلیمی[1]	-۱۳۲۸	رشت	هنرپیشه و کارگردان تئاتر و سینما

رشد و گسترش آموزش زنان در گیلان

جهان طی سال‌های ۱۲۹۳ تا ۱۳۲٤ش شاهد تغییراتی بود که بر موقعیت زنان به‌ویژه در جهان غیرغربی تأثیر گذاشت. طی این سال‌ها کشورهای مستعمره و یا کشورهایی مانند ایران که تحت نفوذ همه جانبه کشورهای امپریالیستی بودند، شاهد شکل‌گیری جنبش‌های ناسیونالیستی با مشارکت گسترده زنان و ظهور نوعی هویت جدید ملی بودند (حسینی، ۱٤۰۰، ص. ۱٦). کارلا سرنا که در سال ۱۲۵٦ش به گیلان سفر کرده بود می نویسد: از روی تعداد مدرسه‌های رشت، می‌توان فهمید که اهالی این شهر مشوق آموزش هستند. آموزگاران ملا هستند... تا سن هفت سالگی دخترها هم همان درس پسرها را یاد می‌گیرند، ولی با آموختن خیاطی معلومات آنها بیشتر می‌شود. دانش دختران ثروتمندان بیشتر از دختران مردم ندار و کم درآمد نیست، با این فرق که بعضی از آنها نواختن یک آلت موسیقی یا خواندن آوازی را هم بلد هستند. دختران باسواد و تحصیل کرده اشعاری از شاعران ملی چون سعدی و حافظ را که پاره‌ای از ابیات آنان میان همه ضرب‌المثل شده‌است، از حفظ می‌دانند... دختربچه‌هایی که به زحمت، هشت یا ده سال دارند، روی خود را می‌گیرند. عادتی که بعدها اجباری می‌شود. در این مکتب‌خانه‌ها که تعدادی در بازار و تعداد دیگر در مساجد و نزدیکی تکیه‌ها دایر است، ملا روی زمین می‌نشیند و بچه‌ها، دختر و پسر به‌طور مختلط دور او حلقه می‌زنند. کسانی که داعیه با سوادی دارند، در ابتدای نام خویش کلمه میرزا را یدک می‌کشند؛ اما اطلاعات عمومی آنان در زمینه

۱. در سال ۲۰۰۲ جایزه شخصیت ممتاز فرهنگی و هنری کشور سوئد را گرفت.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-12]
[DOI: 10.61882/islamhistory.1.55.135]

تاریخ و جغرافی و مسائل دیگر حتی از معلومات یک شاگرد مدرسه ابتـدایی معمـولی در اروپا هم کمتر است (سرنا، ۱۳٦۳، ص. ۲۷۵-۲۷٦). شـکل‌گیری نظـام آموزشـی نـوین و تعمیم یافتن حق تحصیل در مـدارس جدیـد دولتـی بـه دختـران، از جملـه سیاسـت‌های جنسیتی دولت بود که حیات اجتماعی و فردی زنان و دختران شهرنشین را تا حد زیـادی تحت تأثیر قرار داد (حسـینی، ۱٤۰۰، ص. ۱۵). زنـان گـیلان نیـز از ایـن قاعـده مسـتثنی نبودند. از مهم‌ترین موفقیت‌های زنان گیلانی در راه کسب اعتبار اجتمـاعی بیشـتر، افتتـاح انجمن‌های نسوان از سوی برخی زنان روشنفکر بود. این انجمن‌های مسـتقل کـه از سـال ۱۲۸۹ش فعالیت خود را به شکل تقریباً هم‌زمان در چند شهر مهم ایران آغاز کرده بودنـد، در دهه ۱۳۰۰ش به اوج فعالیت خود رسیدند و در دهـه ۱۳۱۰ش رو بـه افـول نهادنـد و تحت فشارهای حکومت، جای خود را به انجمن‌های فرمایشی دولتـی دادنـد (پیـروزی و میرزانـژاد، ۱۳۸۹، ص. ۸۹). جمعیـت پیـک سـعادت نسـوان، از مهمتـرین و مـؤثرترین انجمن‌های زنان گیلان بود و نقش مهمی در تحول اندیشه فرهنگی-اجتماعی بـانوان ایـن منطقه و به‌ویژه شهر رشت داشت. جمعیت، در کنار تمامی فعالیت‌هـای متنـوع خـود، بـه مسائلی همچون سوادآموزی زنان، ایجاد تفریحات سالم برای آنان، توسعه بهداشت بـانوان و آموزش حرفه‌های مختلفی همانند صنایع دست دوزی، خانه‌داری، خیـاطی، موسـیقی و زبان‌های خارجی توجه ویژه نشان می‌داد (حنیفه و شیخ نوری، ۱٤۰۳، ص. ٥٦). از اعضـا و فعـالان جمعیـت سـعادت نسـوان، پریـرخ، فرخنـده و ایرانـدخت نویـدی کسـمایی، سرورمختاری، فرانک آبتین، جمیله صـدیقی کسـمایی، شـوکت روسـتا، سـکینه شـبرنگ، اورانوس پاریاب و دولت‌خانم شمسـی بودنـد (حنیفـه و شـیخ نـوری، ۱٤۰۳، ص. ٥٦). اشرف مشکوتی، از شاعران تحصیل‌کرده در اروپا، سرورالدوله (مهکامه) محصـص، مـدیر آموزشگاه اکابر نسوان، نیز در کنـار جمعیـت بـوده و در حـوزه‌هـای فرهنگـی-آموزشـی فعالیت داشتند. مرام کمونیستی در عقاید تمامی چهـار عضـو مؤسـس ایـن انجمـن دیـده می‌شد. اما نکته قابل توجه آنکـه، هرگـز افکـار خـود را بـر خواننـدگان نشـریه، اعضـای جمعیت و شاگردان مدرسه خویش دیکته نکرده و به زنـان اجـازه تفکـر و اختیـار عمـل می‌دادند (حنیفه و شیخ نوری، ۱٤۰۳، ص. ٥٦).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-12]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.55.135]

جدول شماره۲: انجمن‌های فرهنگی بانوان رشت و نشریات (۱۲۵۹-۱۳۳۵ش)[1]

انجمن‌های فرهنگی بانوان رشت و نشریات	موسس	سال تشکیل	مکان	هدف
انجمن فرهنگی بانوان ارمنی رشت	مادام ماریام هوسپیان	۱۸۸۰ م ۱۲۵۹	رشت	رسیدگی و سرپرستی کودکستان مریمیان مطابق با جدیدترین روش های آموزشی
جمعیت معارف پژوهان نسوان	ساری امانی	۱۳۰۲	رشت	برگزاری نمایش هایی با موضوع محرومیت زنان و حقوق از دست رفته
جمعیت پیک سعادت نسوان	روشنک نوع دوست	حدود ۱۳۰۰	رشت	از مدافعان حقوق زنان
نشریه نامه نسوان شرق	مرضیه ضرابی	۱۳۰۵	انزلی	آگاهی دادن به زنان
نشریه پیک سعادت نسوان	روشنک نوع دوست	۱۳۰۶	رشت	پیرامون حقوق و جایگاه زنان و اهمیت تربیت فرزندان
نشریه فرید	بانو ر. امینی	۱۳۳۵	رشت	اولین شماره آن با مضمون جدی- فکاهی منتشر شد

مدارس دخترانه در گیلان

نخستین بار این دختران ارامنه گیلان بودند که به تحصیل در مدارس امروزی پرداختند. در سال ۱۲۶۳ش نخستین مدرسه مختلط ارامنه در رشت افتتاح شد (پیروزی و میرزانژاد، ۱۳۸۹، ص. ۹۲). مدرسه م.آ.هوردانیان از مدارس مختلطی بود که در سال ۱۲۸۷ش توسط ارمنیان در ابتدای خیابان سعدی رشت احداث شد. مدرسه شمسیه نخستین مدرسه دخترانه مردمی بود که در سال ۱۲۸۸ش در گیلان آغاز به کار کرد.

۱. پیروزی و میرزانژاد، ۱۳۸۹، ص. ۸۹-۹۸.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-12]
[DOI: 10.61882/islamhistory.1.55.135]

ولی مدتی به علت کمبود بودجه تعطیل شد و بعدها با نام مدرسه بنات اسلامی به‌کار خود ادامه داد. مدرسه تا سال ۱۳۱۵ش دایر بود.

در سال ۱۲۹۹ش در گزارش اداره معارف گیلان و طوالش آمده است: در برج ثور گذشته مدرسه ابتدایی مجانی دولتی نمره ٤ لاهیجان تأسیس شد. در همان برج مدرسه نسوان دولتی نمره ۲ در انزلی تأسیس شد. دبستان سعدی دو کلاسه کوچصفهان با کمک و مساعدت مادی عیسی صدیق، ریاست معارف گیلان و طوالش، در برج گذشته تأسیس شد. این دبستان ملی است. مدرسه نسوان دولتی نمره ۱ رشت در ۸ جوزا تأسیس و بودجه این مدرسه از عواید مدرسه متوسطه دولتی نمره ۱ رشت پرداخت شد (ترابی فارسانی، ۱۳۷۸، ص. ۲۵). در ادامه همین صفحه در مورد تأسیس مدارس در رشت آمده است: یک باب مدرسه غیرمجانی نسوان دولتی در شهر رشت تأسیس خواهد شد. مدیره آن که از خانواده‌های محترم تهران است، به تازگی وارد شده، معلمات آن نیز از مراکز جلب شده‌اند و وسایل افتتاح آن از هر حیث فراهم شده‌است. ضمناً مدرسه نسوان دولتی نمره ۱ واقع در مسجد صفی کوچه امام جمعه خانه آقای قوام الاسلام از روز شنبه دهم رمضان المبارک مطابق ۸ جوزا ۱۲۹۹ش برای پذیرفتن صبایای آقایانی که مایل به تعلیم و تربیت اطفال خود هستند حاضر است. موادی که در این مدرسه مطابق برنامه وزارت جلیله معارف تدریس می‌شود عبارت است از خواندن و نوشتن فارسی، تلاوت قرآن مجید، مسایل شرعیه، حساب، صنایع یدی زنانه از قبیل خیاطی و بافندگی، خانه داری، حفظ صحت اطفال و مانند اینها. تأسیس مدرسه دولتی مجانی ابتدایی نسوان نمره ۳۵ واقع در ناحیه قنات آباد اول برج دلو ۱۲۹۷ش بوده و قبلاً ملی نبوده‌است. همچنین در ربیع الاول سال ۱۳۲٦ش افتتاح مدرسه معصومیه جنب تکیه دباغ خانه و دو سال بعد در سال ۱۳۲۸ش جنب تکیه درخونگاه به نام مکتب اسلامیه و در سال بعد مدرسه نصرتیه پردگیان در قنات آباد راه اندازی شد. همچنین با موافقت هیات معارف و تجار آستارا قرار شده‌است که از ممر عواید محلی، عمارتی به جهت مدرسه نسوان آستارا ساخته شود (همان، ص. ۲٦-۲۷).

همزمان با فضای متشنج منطقه و در دورانی که اولویت مردم شرکت و همراهی در

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-12]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.55.135]

قیام میرزا کوچک و توجه به رخدادهای سیاسی داخلی و خارجی بود، اوضاع زنان شهرهای مختلف گیلان در تمامی حوزه‌ها، به‌ویژه از نظر آموزشی و سلامت، شرایط مطلوبی نداشت. در آن زمان، به علت حضور پرتعداد روشنفکران در شهرهای رشت و انزلی، زنان این دو شهر بیش از سایر مناطق، در جامعه شرکت مؤثر داشته و به فعالیت می‌پرداختند. این رویه با ایجاد جمعیت‌هایی چون پیک سعادت نسوان و گسترش و پیشرفت فعالیت بانوان رشتی در جهت سوادآموزی و شناساندن ارزش و اهمیت آن برای رسیدن به جامعه‌ای متعالی، سیری صعودی به خود گرفته و به سرعت به تعداد مدارس و مکتب‌های دخترانه رشت افزوده شد. طبق آمار موجود از اداره معارف، گیلان سومین استان پیشرو در حوزه آموزش و معارف زنان نام گرفت و در این بین سهم شهرهای رشت و انزلی بیش از سایرین بود (حنیفه و شیخ نوری، ۱۴۰۳، ص. ۵۷). گشایش مدرسه سعادت نسوان با گسترش جنبش جنگلیان (۱۲۹۳-۱۳۰۰ش) همزمان شد. آنها در فضای آزاد سال‌های پایانی سده پیشین، به بیداری زن ایرانی دل بسته بودند و مشارکت زنان را در زندگی لازمه پیشرفت میهن می‌شناساندند و از آموزش و پالایش فکر و فرهنگ زنان سخن می‌گفتند. در یک چنین بستر اجتماعی بود که زنان پیشرو رشت یکدیگر را بازیافتند و گرد هم آمدند و چند انجمن برپا کردند (شفیعی و فراهانی، ۱۳۹۶، ص. ۸). در رشت جمعی از زنان روشنفکر و فرهنگ دوست به‌منظور پیگیری مطالبات سیاسی و اجتماعی زنان، جمعیت پیک سعادت نسوان را تأسیس کردند و به فعالیت‌هایی چون تأسیس مدرسه دخترانه، کتابخانه، سخنرانی، کلاس‌های آموزش صنایع دستی و انتشار مجله می‌پرداختند. روشنک نوعدوست از جمله زنان پیشرو درآموزش زنان، در کنار تأسیس مدرسه سعادت نسوان، نشریه‌ای با نام پیک سعادت نسوان را در خلال سال‌های ۱۳۰۶-۱۳۰۷ش چاپ و منتشرکرد.

تعداد مدارس دخترانه در سال‌های ۱۳۰۱-۱۳۰۲ش در ولایات گیلان و آستارا به ترتیب ۶ و ۱ بوده و در سال‌های بین ۱۳۱۶-۱۳۱۷ش این تعداد به ۵۶ مدرسه در گیلان رسید که پس از تهران (۱۵۲ مدرسه)، آذربایجان شرقی (۸۳ مدرسه) و کرمان (۵۸ مدرسه) از بالاترین تعداد مدارس برخوردار بود (حسینی، ۱۴۰۰، ص. ۱۸، ۲۰). نخستین

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-12]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.55.135]

مدارس دخترانه آستارا در سال ۱۲۹۹ش آغاز به کار کرد. در سال ۱۳۰۳ش مدرسه نسوان احداث شد که دارای سه کلاس ابتدایی بود که کلاس اول، ۲٦، کلاس دوم، ۲۳ و کلاس سوم، ۱۲ نفر دانش‌آموز داشت (پیروزی و میرزانژاد، ۱۳۸۹، ص. ۱۳۸).

جدول شماره۳: توزیع جغرافیایی مدارس شهرهای گیلان در سال(۱۲۸۲ تا ۱۳۰۵ش)[1]

نام مدارس	سال تاسیس	شهر	مدیریت
مهستی	۱۲۸۲	رشت	میس کلارک
شمسیه	۱۲۸۸	رشت	شیخ علی طالقانی
دوشیزگان	–	رشت	خانم نشاط الدوله مشکوتی
بنات‌اسلامی(شمسیه سابق)	–	رشت	خانم احترام السیاده
آذرمیدخت	۱۲۹۲	رشت	فرزانه(ربابه) نیکروان معروف به مادام مدیر
پیک سعادت	۱۲۹٦	رشت	روشنک نوع دوست
دبستان دولتی بانوان	–	رشت	–
دبستان ملی پیک سعادت نسوان	–	رشت	–
دبستان ملی ناموس	–	رشت	–
دبستان دولتی تربیت نسوان	–	رشت	–
دبیرستان دولتی شاهدخت	–	رشت	–
–	۱۲۹۰	پیربازار رشت	ماهرخ بدرکوهی
بنات انزلی	۱۲۹۱	انزلی	به همت ضیاء الدین ندیم باشی

۱. پیروزی و میرزانژاد، ۱۳۸۹، ص. ۱۳۳؛ ترابی فارسانی، ۱۳۷۸، ص. ۱۳۸.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-12]
[DOI: 10.61882/islamhistory.1.55.135]

			تأسیس و پس از ۱۸ ماه به علت مشکلات مالی و عدم استقبال زنان و تعداد ١٤ شاگرد به ناچار تعطیل شد
نخستین مدرسه	۱۲۷٤	انزلی	توسط ارامنه و در کنار کلیسا
نخستین مدرسه مختلط روسی در ایران	۱۲۸۸	غازیان انزلی	–
مدرسه دخترانه دیگری به اهتمام اهالی	۱۳۳۳	–	–
دبستان نسوان	۱۲۹۸	–	مؤسس آن آقای صدیق رئیس فرهنگ گیلان بود
مدرسه نسوان دولتی	۱۲۹۹	–	مهرتاج درخشان ونخستین مدیران صاحب نام فرزانه گرگانی
مدرسه چهار کلاسه نسوان	۱۳۰٤	انزلی	–
دبستان دولتی عصمت	۱۲۹۸	لاهیجان	–
مدرسه دوشیزگان	–	لاهیجان	خانم افسرالدوله
بنات اسلامی	–	لاهیجان	خانم بیگم آغا
–	۱۲۹۸	لنگرود	به کمک حشمت الدوله حاکم گیلان
مدرسه دوشیزگان	–	لنگرود	ملک تاج خانم
نخستین مدرسه دخترانه	۱۲۹۹	آستارا	–
مدرسه نسوان	۱۳۰۳	آستارا	بانو م. ضرابی
ایجاد مدرسه مختلط	۱۳۰۵	روستاهای‌اطراف آستارا	–

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-12]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.55.135]

در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود بیشترین توزیع جغرافیایی تعداد مدارس گیلان مربوط به مرکز گیلان یعنی رشت و پس از آن انزلی، لاهیجان، لنگرود و آستارا بوده‌است.

در مقایسه وضعیت زنان رشت با شهرهای اطراف، پیش و پس از انتشار نشریه پیک نسوان، این آمار گویای پیشرفت وضعیت زنان پس از انتشار نشریه پیک نسوان است. وجود ۵ مدرسه ملی دخترانه با ۲۱۹ دانش‌آموز در مقایسه با ۱۹ مدرسه پسرانه با ۲۲۸۱ شاگرد (پیش از انتشار نشریه پیک سعادت نسوان در فاصله زمانی ۱۲۹٦-۱۳۰۵ش) و افزایش مدرسه و مکتب‌خانه دخترانه از ۵ عدد به ۳۰ عدد در سال‌های ۱۳۰٦-۱۳۰۷ش و رشد ۸۵ درصدی در تعداد دانش‌آموزان دختر نسبت به دوره پیشین، ساخت کتابخانه و قرائت‌خانه برای بانوان گویای تأثیرگذاری این نشریه است (حنیفه و شیخ نوری، ۱٤۰۳، ص. ۵۸). در سال ۱۳۰۳ش گیلان دارای جمعاً ۹ مدرسه دولتی و ملی دخترانه در شهرهای رشت (٤ مدرسه)، لاهیجان (۲ مدرسه) و انزلی، لنگرود و آستارا هر کدام (۱ مدرسه) بود. در سال‌های ۱۳۰۹-۱۳۱۰ش تعداد ۲۷۰٤ دانش آموز دختر در این مدارس تحصیل می‌کردند. طی سال‌های ۱۳۰۱-۱۳۰٤ش تعداد ٤۳ نفر از دانش‌آموز دختر در رشت و ۵ نفر در انزلی موفق به دریافت گواهی‌نامه شش ساله ابتدایی شدند (پیروزی و موحد، ۱۳۸۹، ص. ۱۳۱).

جدول شماره٤: جغرافیای تعداد مدارس دخترانه گیلان در سال های (۱۲۹۹ و ۱۳۰٦ش)[1]

محل مدرسه	سال ۱۲۹۹ش			سال۱۳۰٦ش		
	تعداد مدرسه	تعداد معلمه	تعداد شاگرد	تعداد مدرسه	تعداد معلمه	تعداد شاگرد
رشت	۵	۱۳	۲۱۹	۱٤	۹۳	۱۳۷۰
انزلی	–	–	–	۲	۱۳	۳۱۸
لاهیجان	–	–	–	۲	۹	۱٤۷
لنگرود	–	–	–	۲	۸	۱۱٦

۱. پیروزی، میرزانژاد موحد، ۱۳۸۹، ص. ۱۳۹.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-12]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.55.135]

مطابق جدول شماره ٤، رشت بیشترین تعداد مدرسه را طی سال‌های ١٢٩٩ و ١٣٠٦ش داشت. تعداد مدارس در سه شهر انزلی، لاهیجان و لنگرود در سال ١٣٠٦ش هر شهر ٢ مدرسه و در سال ١٢٩٩ش هیچ مدرسه‌ای در آن شهرها دایر نبود. در سال ١٣٠٦ش تعداد ٢٠ مدرسه مجموعاً در شهرهای رشت، انزلی، لاهیجان و لنگرود در گیلان فعال بودند. از مقایسه دو جدول شماره‌های ٤ و ٥ درمی‌یابیم که رشد مدارس دخترانه گیلان بین سال‌های ١٣٠٦ تا ١٣١٥ش کند و متوقف شده بود؛ به‌طوری که از سال ١٣١٥ تا ١٣٢١ش تنها ٤ مدرسه دخترانه جدید ساخته شده بود.

جدول شماره ٥: تعداد مدارس دخترانه گیلان در سال‌های ١٣١٥ تا ١٣٢١ش[1]

سال تحصیلی	تعداد آموزگاران زن	تعداد دبیران زن	تعداد مدارس دخترانه	تعداد دانش اموز دختر
١٣١٥-١٦	١٥٠	٢	٢٠	٦٠٧٤
١٣١٦-١٧	١٦١	٢	٢١	٦٠٤٠
١٣١٧-١٨	٢١٨	٢	٢٢	٧٥٨٣
١٣١٨-١٩	٢٤٠	٣١	٢٢	٩٧١٣
١٣١٩-٢٠	٢٦١	٣٧	٢٤	٨٤١٨
١٣٢٠-٢١	٢٦١	٣٨	٢٤	٧٢٦٧

سقوط حکومت رضاشاه و ورود متفقین به ایران، ساختار اجتماعی و اقتصادی ایران را بر هم زد و موجب توقف تحولات و اصلاحات در زمینه‌های مختلف اجتماعی شد. این معضل در مناطقی که تحت اشغال نیروهای خارجی درآمده بودند، ملموس‌تر بود. با توجه به آمار ارائه شده (جدول شماره٦) از شمار دانش‌آموزان مدارس گیلان در این ایام مشخص می‌شود که مقوله تعلیم و تربیت گیلان نیز متأثر از وقایع این روزگار دچار نوعی رکود و عقب‌گرد شده بود و این وضعیت تا سال ١٣٢٦ش ادامه یافت. تا آن‌که

١. پیروزی و میرزانژاد، ١٣٨٩، ص. ١٤١؛ دادبخش، ١٤٠٣، ص. ٨٦.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-12]
[DOI: 10.61882/islamhistory.1.55.135]

در این سال با توجه به خروج نیروهای متفقین و برقراری آرامش نسبی در کشور، مقوله آموزش و پرورش اهمیت دوباره پیدا کرده است (دادبخش، ۱٤۰۳، ص. ۸٦–۸۷). همان‌طور که در جدول شماره ٦ نشان داده شد، شمار مدارس دخترانه گیلان نزدیک به چهار برابر شد که این امر در سال‌های بعد موجب رشد و ارتقای سطح علمی و فرهنگی استان گیلان شد. لازم به ذکر است تنها آمار تعداد مدارس و تعداد دانش آموزان دخترانه در جدول شماره ٦ درج شده‌است.

جدول شماره٦: تعداد مدارس و تعداد دانش آموزان دخترانه در حد فاصل سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۷ش[1]

سال تحصیلی	تعداد مدارس	تعداد دانش‌آموزان
۱۳۲۰–۱۳۲۱	۲٤	۷۲٦۸
۱۳۲۲–۱۳۲۳	۲٤	٥۷۸٦
۱۳۲۳–۱۳۲٤	۲٥	٥۸۹٤
۱۳۲٤–۱۳۲٥	۲٥	٦۲۱۳
۱۳۲٥–۱۳۲٦	۲٥	۷۲٥۸
۱۳۲٦–۱۳۲۷	۹۹	۷۹۲۹

معلمان زن در گیلان

در آن دوره احداث مدارس دخترانه و کلاس‌های اکابر روند رو به رشدی به خود گرفت. مهمترین مشکلی که مدارس دخترانه با آن روبه‌رو بودند، کمبود معلم زن بود. مشکلی که باعث شد برای مدتی در بسیاری از شهرهای کشور غالب معلمین مدارس دخترانه، مردان باشند. پیرو تلاش در جهت تربیت معلم مجرب زن برای این مدارس، لایحه تأسیس دانشسرای تربیت معلم در مجلس شورای ملی ایران در سال ۱۳۱۳ش تصویب شد. البته از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۱۰ش در شهرهای رشت و انزلی و همچنین

۱. دادبخش، ۱٤۰۳، ص. ۸۷.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-12]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.55.135]

شهرها و روستاهای اطراف آن، تعداد زنان آموزگار رشد قابل توجهی داشت (حنیفه و شیخ نوری، ۱٤۰۳، ص. ۵۹). نوعدوست به واسطه آموزش در محضر اساتید ادبیات فارسی، زبان فرانسه و ریاضیات به ضرورت آموزش و پرورش نوین پی برده بود. او نخست کوشید از طریق آموزش زنان غبار جهل و بیسوادی را از ذهن زنان بشوید. در آغاز با تأسیس مدرسه‌ای ویژه دختران به امر آموزش آنان همت گماشت (شفیعی و فراهانی، ۱۳۹٦، ص. ۸). اسامی برخی از نخستین زنان آموزگار گیلان که با همت والای خود، هر چه سریع‌تر آموزش‌های اولیه را پشت سر نهاده و به یاری هم نوعان محروم خود شتافتند در جدول شماره ۷ آورده شده‌است. همچنین در جدول شماره ۸ شاهد سیر صعودی تعداد معلمین و دانش آموزان دختر و پسر در سه سال۱۳۰۱، ۱۳۰۳ و ۱۳۰٤ش هستیم.

جدول شماره۷: نخستین زنان آموزگار گیلان[1]

معلم	سال	معلم	سال
احترام السیاده قائم مقامی	۱۳۳٦-۱۲۵۱	عزت فروزان	۱۳۵۷-۱۲۸۵
اشرف السادات قائم مقامی	۱۳۳٦-۱۲۷۱	فاطمه زرهونه	۱۳٤۹-۱۲۸٦
روشنک نوع دوست	۱۳۳۸-۱۲۷۳	همایون آرین پور	۱۳۵۷-۱۲۸۷
مریم شفیع زاده	۱۳۵۰-۱۲۷۷	محترم اسدی لنگرودی	۱۲۸۷-۱۳٤۸
ربابه نیکروان(مادام مدیر)	۱۳۳۰-۱۲۷۸	دولت شلمانی	۱۳۵۹-۱۲۸۸
ماهرخ بدرکوهی	۱۳۷۷-۱۲۸۰	نزهت‌الملوک‌نجد سمیعی	۱۳۵۵-۱۲۸۸
جمیله صدیقی کسمایی	۱۳٦۲-۱۲۸۲	خدیجه سمیعی	۱۳٦۸-۱۲۸۸
سیده عالیه نیکخواه	۱۳٤۵-۱۲۸۲	نوش آفرین پور زردشت	۱۳۷٤-۱۲۸۸
اشرف کهنمویی	۱۳٦۳-۱۲۸۳	مجلله پورافضل	۱۳۷۵-۱۲۹۰
عشرت جواهری	۱۳۷۱-۱۲۸۳	سیده منصوره صالح	۱۳۷۹-۱۲۹۱
مهکامه محصص		۱۳۵۷-۱۲۹۱	

۱. پیروزی و میرزانژاد موحد، ۱۳۸۹، ص. ۱٤۲-۱٤۳.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-12]
[DOI: 10.61882/islamhistory.1.55.135]

جدول شماره۸: تعداد معلمین و کل دانش آموزان پسر و دخترگیلانی در سه سال ۱۳۰۱، ۱۳۰۳ و ۱۳۰٤ش[1]

سال	۱۳۰۱	۱۳۰۳	۱۳۰٤
شمار معلمین	١٦٦	١٧٦	٢٦٣
شمار دانش‌آموزان	٣٨١٧	٤٧٨٣	٥٧٩٥

۱. دادبخش، ۱٤۰۳، ص. ۸٤.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-12]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.55.135]

نتیجه

در دوره مشروطه با وجود موانع فرهنگی و اجتماعی، نخستین گام‌ها برای تأسیس مدارس دخترانه و گسترش سواد آموزی برداشته شد. عصر پهلوی نیز یکی از برهه‌های مهم تاریخ ایران در زمینه آموزش و سواد زنان به‌شمار می‌رود. تا پیش از مشروطیت و دوره اول پهلوی فقط معدودی از زنان طبقات بالای جامعه می‌توانستند از نعمت سواد برخوردار شوند. تعداد کمی از خانواده‌های طبقه متوسط نیز دختران خود را به مکتب‌خانه‌ها می‌فرستادند؛ اما دختران طبقه پایین جامعه، به دلیل ناتوانی مالی و برخی اعتقادات، عمدتاً بی‌سواد بودند. با پیروزی مشروطه‌خواهان، این زنان تلاش کردند تا از طریق رأس هرم قدرت به خواسته‌های خود برسند و از آنجا که دولت و مجلس مشروطه در برخی موارد به خواسته‌های آنان تن ندادند، خود دست به کار شدند و با شوق و ذوق فراوان در تأسیس مدارس جدید و مؤسسات اجتماعی و فرهنگی پیش‌قدم شدند. در این مراکز، از زنان تحصیل کرده‌ای استفاده شد که پیش از مشروطه و در طول آن در مدارسی که خارجیان مدیریت می‌کردند و یا ایرانیان تأسیس کرده بودند، درس خوانده بودند. آموزش زنان نه‌تنها به بهبود جایگاه اجتماعی آنان انجامید بلکه تأثیر مستقیمی بر توسعه فرهنگی و اقتصادی استان گیلان گذاشت. تأسیس مدارس دخترانه و انجمن‌های اجتماعی در ارتقای سطح مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف نقش کلیدی داشت.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-12]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.55.135]

منابع

– احمدی، نزهت (۱۳۸۵ش). «پیش درآمدهایی بر حضور اجتماعی زنان». مجله زمانه. شماره ٤٨. شهریور. ص.١٢-١٥.

– پیروزی، شادی و هادی میرزانژاد موحد (۱۳۸۹ش). *زندگی زنان گیلان*، دانشنامه فرهنگ و تمدن گیلان. رشت: فرهنگ ایلیا.

– ترابی فارسانی، سهیلا (۱۳۷۸ش). *اسنادی از مدارس دختران از مشروطیت تا پهلوی*. تهران: سازمان اسناد ملی ایران.

– جلالی، ایرج (۱۳۸۹ش). «بررسی نقش زنان در تأسیس مدارس جدید و آموزش دختران در دوره مشروطیت». فصلنامه مسکویه. دوره٥. شماره١٤. ص. ٤٥-٦٠.

– حامدی، زهرا (١٣٩٤ش). «بازتاب تعاملات فکری اندیشه گران در خصوص آموزش زنان در دوره پهلوی اول مبتنی بر سه نشریه عالم نسوان، شفق سرخ و اطلاعات». فصلنامه تاریخ اسلام و ایران. دانشگاه الزهرا. سال ٢٥. دوره جدید. شماره٢٧. پیاپی١١٧. ص.١٠٣-١٢٤. **Doi: 10.22051/hii.2015.2115**

– حسینی، مرضیه (١٤٠٠ش). «مادری جدید و آموزش زنان در عصر رضا شاه». نشریه تاریخ اسلام و ایران. دوره٣١. شماره٥٢. پیاپی١٤٢. ص. ١٥-٣٦. **Doi: 10.22051/hii.2021.35484.2448**

– حنیفه، معصومه و محمدامیر شیخ نوری (١٤٠١ش). «**سیر تحولات آموزشی زنان گیلان در دوره رضاشاه پهلوی با تکیه‌بر اسناد اداره معارف و اوقاف گیلان». نشریه مطالعات تاریخ فرهنگی. سال١٣. شماره٥٢. تابستان. ص. ١-٢٦.**

– _____ (١٤٠٣). «تحولات فرهنگی- اجتماعی زندگی زنان رشت (با تکیه‌بر اسناد و نشریه پیک سعادت نسوان١٣٠٠-١٣١٠ش)». پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران. دوره ١٢. شماره ٢. پیاپی ٢٤. بهار و تابستان. ص. ٥١-٦٢. **Doi: 10.30473/lhst.2024.69763.2875**

– خمامی زاده، جعفر (١٣٧٤ش). *کتاب گیلان*. به سرپرستی ابراهیم اصلاح عربانی. تهران:گروه پژوهشگران ایران.

– دادبخش، مسعود (١٤٠٣ش). «مطالعه تطبیقی وضعیت آموزشی گیلان در دوره‌های قاجار و پهلوی». فصلنامه علمی سخن تاریخ. سال ١٨. شماره ٤٥. ص. ٧١-٩٤.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-12]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.55.135]

– روحبخش، رحیم (۱٤۰٤ش). «مقایسه عملکرد زنان در تحولات فرهنگی سه استان گیلان، مازندران و گلستان در عصر پهلوی اول به روایت مصوبات شورای عالی معارف/ فرهنگ». همایش زن در تاریخ محلی ایران. پهنه شمال. مازندران. ساری.
– زیبا کلام، صادق (۱۳۹۸ش). *رضاشاه*، تهران: روزنه.
– شفیعی، سمیه سادات و مژگان فراهانی (۱۳۹٦ش). «تحلیل محتوای نشریه پیک نسوان بایسته‌هایی برای زنان در آستانه دوره پهلوی». نشریه مطالعات تاریخ فرهنگی. سال هشتم. شماره سی‌ودوم. تابستان. ص. ۲۷ـ۱.
– ساناساریان، الیز (۱۳۸٤ش). *جنبش حقوق زنان در ایران (طغیان، افول و سرکوب از ۱۲۸۰تا انقلاب ۱۳۵۷)*. ترجمه نوشین احمدی خراسانی. تهران: اختران.
– سرنا، کارلا (۱۳٦۳ش). *سفرنامه کارلا سرنا ـ آدم‌ها و آیین‌ها در ایران*. ترجمه علی اصغر سعیدی. تهران: زوار.
– فندریسکی، عاصمه (۱٤۰٤ش). «جستاری در زندگی بانوان هنرمند خواننده برخاسته از خطه شمال ایران». همایش زن در تاریخ محلی ایران. پهنه شمال. مازندران. ساری.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-12]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.55.135]